

افغانستان آزاد – ازاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۰/۱۰/۰۳

حقوق زن من جمله زن افغان از نگاه اسلام

زنان شما کشتزار شما هستند پس، از هر [وهرگونه] که خواهید به کشتزار خود [در] آید و برای شخص خودتان

[در بهره مندی از آنها] پیشدستی کنید- سوره بقره آیت ۲۲۳

زن موجودی است که از بدو پیدایش و تکامل تدریجی موجوداتی به نام آدم امروزی در کره زمین به استثنای چند مقطع مشخص تاریخی همه وقت تحت ستم و ظلم دگران، خشم دین و مذهب ارباب قدرت و زور گویان جامعه قرار گرفته و به چشم موجودات پائین تر از مرد نگریسته شده است. زمانی هم قشریائینی، ناقص العقل، ضعیف الوجود، بازیچه شیطان، عاجزه و تعلقداری یاد گردیده و گاهی هم از طرف مرد ها به القاب نه چندان انسانی مسما گردیده اند. همچنان ملکیت خاص مرد ها (در اسلام) به حساب آمده، فقط گاه گاهی در تاریخ مخصوصاً در حرمسرای محمد و شاهان اسلامی من جمله سلاطین دوره اموی ها و عباسی ها رول های مهمی را بازی کرده و در دولت داری سهمی گرفته اند. این امر نه به خاطر داشتن حقوق مساوی بلکه روی ملحوظات خاص سیاسی آن وقت با بینش و طرز دولت داری همان وقت بوده که در نهایت این بازی ها جزء صد ها زن در حرمسرای شاهان محبوس بوده معشوقه و آله دست سلاطین زنباره دو لتهای اسلامی و متاع خوب و قابل فروش و مبادله به دست بی ناموسان آن دولت ها چیزی مهمتر نبودند و هرگز مورد توجه انسانی قرار نگرفته اند تا سبب رشد استعداد و ذکاوت ذاتی آنها گردیده و از آزادی های طبیعی مثل مردان استفاده نمایند.

بعد از فتوحات اعراب و دست نشانندگان شان در کشور ما تا امروز کدام عمل درست و انسانی در راستای آزادی زنان از قید اسارت مرد و خرافات مذهبی انجام نشده، فقط میتوان از آزادی زن در چوکات رفورم های امان الله خان یاد کرد که آنهم از برکت نمایندگان انگلیس زیر نام دین با فعالیت های منظم و مشخص فامیل و بزرگان دینی و با به پیش کشیدن بچه سقاو از بین رفت و سالها طول کشید تا دولت های وقت زیر بار فشار مبارزات قهرمانانه زنان کشوریک سلسله آزادی های نسبی و شرایط ابتدائی آزادی برای شان را رسماً بپذیرند.

بر خورد نا درست مرد های افغان با زن ناشی از طرز دید شان زیر تاثیرات منفی محیط زیست تبلیغات مذهبی -

اوامر پیشوایان دینی و کلچر مسلطه بدوی ما بوده وزن راملکیت مطلق مرد میدانند وزنها در تصمیمات گرفته شده مردانه زیر تاثیر هدايات اسلامى حق ابراز هيچ گونه نظر را نداشته و منتظر تعيين سر نوشتش به دست ديگران بوده و فعلا هم ميباشد.

يعنى زن افغان موجودى است كه سر نوشتش را به جز خداوند چند موجود ديگر هم تعيين ميكند و او جز صبر كردن به دربار خدا چاره نمى بيند و بايد مجبورا پذيرا باشد. زن بد بخت جامعه ما ملكيت خاص و منحيث ميراث به كسان و يكي از اعضاى فاميل شوهر ميرسد. مثلا اگر كسى فوت شد برادرش فورا بدون قيد و شرط و موانع قانونى و شرعى خانم برادرش را به زنى ميگيرد.

اين پروپاگند و دروغ نيست همچنين واقعيتهائى در ملك ما موجود است اگر باز هم باور نداريد ميتوانيد از گلبدين قاتل كه بعد از فوت برادرش با خانم او ازدواج کرده است بپرسيد و منبع اسلامى و هدايت دهنده اين عمل را جو يا شويد.

در كلچر آلوده با مذهب ما بعضا هم دختران خيلى كوچك در ايام طفوليت و شيرخوارگى از طرف والدين يا اقارب براى خويش و قوم شان نامزد ميشوند كه بعدا به اجبار بايد عروسى نموده و زندگى را به پيش برند گاهى هم اين موجود مظلوم قربانى حل اختلافات فاميلى خود شده و به عنوان (بد و پور) به به يكطرف معامله منحيث يك جنس يا قربانى داده ميشود؛ كه اين دختر معصوم ملكيت آن فاميل محسوب شده و ديگر اختيارش دست بزرگان همين فاميل است زمانى هم اين دختران در خوردى به شوهر داده ميشوند و دو فاميل هر کدام دختر خود را به يكي از اعضاى فاميل مقابل ميدهند اينكه شوهرش در کدام مر حله سنى قرار دارد مطرح بحث نيست فقط معامله صورت گرفته و به اصطلاح عاميانه ما اين تبادل جنس به جنس را (بدل) ميخوانند.

در جنگ ها و فتوحات اسلام اولين دساتير قبل از فتح اين بوده كه سر شانرا بزنيد(زن و مال شان بحيث غنيمت از شماست)

بلى اين است هدايات اسلام : زن و مال همريف اند باهم فرقى ندارند هر دوى شان جنس اند و طرز بر خورد با آنها همشكل است.

به دنبال شكل گيرى و قوام جامعه مرد سالار، مرد مالك مطلق زن شد شوهر ميتوانست زن خودش را بزند يا منحيث كنيز و برده بفروشد حتى حق داشت وى را بكشد. يعنى ملكيت مرد محسوب ميشد و از ۱۴۰۰ سال به اين طرف طبق هدايات خداوندى، همان شرايط زير عنوان اينكه زنهای شما كشتزار شما هستند تكرر ميشود، اما در وقت زرتشت اوبود كه مخالف اين قرارداد منحوس اجتماعى هدايات انسانى اش را در قانونمندی مردمى ابلاغ كرد كه (مرد و زن متكامل همدیگر در خلقت هستند و از همدیگر برتری ندارند هیچ مردی حق ندارد بیش از یک همسر و هیچ زنی حق ندارد بیش از یک شوهر داشته باشد) اما در دين من و دين شما كه به گفته مبلغين و تاجران انسان فروش كه متكاملترين دين ها است در عمل هيچ كسى از پيامبر اسلام گرفته تا ملا هاى نكتائى پوش گام مثبت در راستاى آزادى انسانى زنها نبرداشته اند؛ حتى در مواردى باعث تحكيم همچو هدايات منفي نيز شده اند. اسلام است كه مرد ميتواند چهار زن داشته باشد و زن بايد در خانه در بسته بنشيند و اخيرا نظر به فتواى ديگرى در خانه كه شيشه هاى به رنگ سياه و تاريك رنگ شده باشد. زن بايد آنجا شب و روز خود را بگذراند و نبايد بدون محرم

شرعی (مرد) بیرون رود.

اگر کمی به عقب رفته و پس منظر تاریخی این واقعیات را نظر اندازیم متوجه خواهیم شد که پیامبران اسلام هر کدام به نوبه خود تا توانستند زن گرفتند حرمسرا درست کردند چون مثل مال و منال دنیا خریدند و گرفتند و غرض لذت بخشی و تولید جنس کردن آنها را در دایره های تنگ زندگی محسور داشتند. سلیمان پیامبر در زمانیکه با بلقیس ملکه سبا ازدواج کرد ۳۰۰ زن و ۳۰۰۰ کنیز داوود پیامبر ۹۹ زن و محمد ۴۵ زن داشت بعد از آنها خلفای اسلام یعنی اموی ها و عباسی ها هر کدام به هزاران زن و کنیز داشتند که در موقع دیگر به بحث روی آنها و مظلومی که در حق آنها به نام اسلام شده خواهیم پرداخت؛ اما در وطن خود ما این مسلمان ها و مسلمان نما ها مثل رهبران جهادی و همکاران و متحدین صمیمی شان یعنی ح.د.خ در حق زن افغان چه ها کردند خیلی ها تراژیدیک و متاثر کننده است. به طور نمونه میتوان جنایت کم نظیری که در ۱۷ حوت سال ۱۳۶۷ توسط قومندان حبیب الله بیگ و معاون او قیوم بیگ که مربوط حرکت انقلاب اسلامی مولوی محمد نبی بودند صورت گرفت و اضافه از ۷۰ زن و دختر قریه کوهی ولسوالی قیصار و لایت فار یاب را بخاطر نمایش قدرت در حالیکه تنبان های شان را کشیده بودند از بازار ولسوالی بزور گذشتاندند، یاد کرد. این قومندان بعدا جزء ملیشه های نجیب شد که در زمان فتح قریه کوهی خانه بخانه داخل شده و ده ها زن و مرد و طفل را به شکل فجیع به قتل رسانید. در زمان گذشتاندن زنان بی تنبان خنده های افراد حبیب الله بیگ به التماس و زاری زنان اسیر بیچاره درد آور تر از آن است که سخنش را بمیان آورد همچنان میتوان از کشتار بیرحمانه ۷۲ تن زن و مرد و طفل در سال ۱۳۷۰ توسط شراب بیک معاون رسول پهلوان معاون جنیش ملی اسلامی به رهبری جنرال دوستم بعد از تجاوز جنسی به آنها یاد آوری نمود

بلی ای زن افغان! ازین ماجرا های اسلامی در دوران حکومت جهادیهها زیاد اتفاق افتاده است مثلا شما حتما بیاد دارید و یا شاید شنیده باشید از شاهکار های حزب اتحاد اسلامی سیاف که به ناموس هموطنان بی دفاع ما تجاوز و سینه های زنها را شکافتند و بعضی از زن ها را پوست کردند. سینه های دختران جوان ما را بریدند و صد ها بی ناموسی دیگر و همچنان نباید فراموش کرد آنچه گروه دیگر اسلامی زیر هدایت قرآنی حزب وحدت عملی کردند از گوش میخ کردند تا روغن داغ کردن در فرق سر بی گناهان و مظلومان این دیار. شهامت و غرور انسانی این عقاب های تسلیم ناشدنی اینست و صد ها داستان تلخ و جانگداز زنان میهن ما این نسلی که عایشه ها، مستوره امه فدوی، ببو جان، حیاتی، ناهید ها و مینا ها را در دامن خود پرورده و به اجتماع انسانی ما تقدیم داشته است که اکثر آنها قربانی تیر های جفا کار دشمنان علم و معرفت، خرافات مذهبی و بد بین های جامعه انسانی و پیشرفت علم و تمدن قرار گرفته و آرزو های مقدس شان در زیر خروار ها خاک مدفون شده است

هزاران دیگر در راه حصول حق حقه شان مبارزه کردند و تعدادی جان باختند و صد افسوس که امروز در چنگال وحشیانه نظام های فرتوت و غیر انسانی و ایده های خرافاتی مثل اسلام پیچانیده شده و راه نجات ازین مهلکه برای شان نا ممکن ساخته شده است. با نظر اندازی مختصر در طول زندگی زن افغان میتوان بخوبی و سادگی دید که هر نوع مهاجم و تعرض کننده زیر هر نامی که بوده و است قربانی اول آنها زن افغان بوده است، چرا؟

بخاطری که آنها با شهامت اند، آنها پر غرور اند آنها انسان اند، انسان آزادیخواه، انسان شریف با وجدان پاک و با فطرت انسانی. مهمان نواز و بامحبت. محرومیتها، زجر ها و تکالیف خلق شده که دامنگیر زن افغان بوده و قرنها

این مظلومیت دوام و تا امروز ادامه دارد و این جنس لطیف و حماسه آفرین در زمانه های مختلف چنان از خود گذری هائی نشان داده و بی باکانه در مقابل هر نوع تجاوز بیگانگان مبارزه و خود را قربانی نموده اند که نمیتوان درین مختصر به آن پرداخت اما آن قهرمانی ها به جز مختصری، دیگر همه بدست فراموشی سپرده شده است. اسلام تضاد جنسی و اهانت ها به زن را شکل حاد تر داده و بد بختی زن را در چوکات قانون مندی های آسمانی در تشریحات قرآن تبدیل به یک مسأله حاد نموده و به چشم یک جنس، یک شی، یک مملوک، یک برده و کنیز به او نگاه کرده است.

یکی از نمونه های عدالت خداوندی در مورد حق زن و مرد در قرن چنین آمده
آیت ۵۱ سوره احزاب، تو ای رسول در همبستر شدن با زنهای خود لازم نیست نوبت را مراعات کنی هرکدام از زنان را میل داری نوبت را به عقب بینداز و هر یک از آنها را از خود راندی باز میتوانی او را نزد خود بخوانی و این موضوع باعث شادمانی دل و روشنی دیده آنها خواهد شد و هیچ یک از آنها نباید از آنچه که تو میل میکنی ناراضی باشند بلکه از عطای تو خوشنود باشند

آیت ۳۴ سوره نسا صراحتاً حق تسلط و نگهداری زنان را به مردان حکم میکند دل خدا هم به این مظلومان نسوخته و نتوانسته و یا نخواستہ آنها را یعنی زن را، زن افغان را با صدور یک آیت فقط یک آیت همدریف مرد قرار دهد و شاید هم امکان پذیر نبود چون در آن صورت پیامبرانش دچار مشکلات جنسی میشدند. در مورد موجود دومی بودن زن، تحقیر زن و مملوکیت زن و ناقص بودن زن ازین موارد در قران و احادیث نبوی و حتی خرابتر از آن را میتوان یافت.

در وطن عزیز ما سرداران و قیج اسلام با چهره حاکم تر بر زن حمله نموده و مشخصاً زن را از تمام حقوق انسانی آن محروم و در سطح یک مملوک، یک موجود فاقد احساس قرار داده است و ملاهای ما و پیروان اسلام با روایت های مختلف و قصه پردازی های عجیب و غریب بخاطر خوشنودی اعراب زندگی را برای زنان تبدیل به زندان نموده آند.

اکنون با موجودیت کمیته های دفاع از حق زن و سازمان های روشنفکران و مدافع حقوق زن و زیر فشار جنبش های ملی و بین المللی یک تعداد از متفکران و تاجران اسلام بخاطر جلوه دادن قیافه اسلام بشکل مدرن آن در مطبوعات بیرون مرزی کشور به علاوه ای آنکه راجع به حقانیت اسلام صحبت میدارند و قیحانه و بیشرمانه با دیده درائی خاص مدعی اند که گویا در عدالت اسلامی، مساوی بودن حقوق مرد و زن روشن بوده و میخواهند حقایق آیت هائی که حقوق زن در آن پایمال شده، در جهت مثبت تغییر و از اسلام بربری و وحشی یک ایده آسمانی و پاک درست کرده و منحنیث تنها قانون عدالت کامل در جامعه بشری مطرح و آنرا جهان شمول سازند.

بلی! این دیده درایان که منافع خاصی ازین ناحیه داشته و امرار معاش میدارند حتی گاهی هم عدالت اسلامی را در قسمت زنان بد بخت ما چنان عادلانه میخوانند که خواننده با وجدان از خواندن آن خجالت میکشد. استدلالات من درآوردی دارند، قصه های خود ساخته و گفتن آیت هائی از قرآن.

جای تاسف و غم انگیز بودن این طرح ها این است که اکثر ا طراح های آن دکتورا و پروفیسوری دارند اما برای اسلام شناسی و مسلمان بودن به علم و دانش ضرورت نیست.

در اسلام حق زن بر روایت قرآن از بین رفته و مرد ها موجودات حاکم و فوق زن قرار داده شده و مالک آن ها گردیده آند. این مرد ها هستند که همه کاره اند زن افغان در شرایطی بد و ناگوار مثل یک زندانی زندگی داشته و

دارند و این بینوا ها با قبول چه مشقات غیر انسانی تحمل شده شوهر و خانواده شوهر و محیط زیست و کلچر غیر انسانی مسلط زندگی دارند و نفس میکشند.

بد بختانه رسم و رواج های محلی افغانی و حدی که اسلام به حقوق زن معین کرده هر دو میله های آهنی این زندان را محکمتر از پیش ساخته تا رهائی از چنگال آنان را ناممکن سازند. هر روز بیشتر از پیشتر این حلقه ها تنگ تر شده و امید آزادی این مظلومان را به نجات شان در کشور ما کمتر میسازند البته این طرح شامل زندگی خانواده های طبقات بالائی، روحانیون مفت خوار و برادران اسلامی ما نیست. چون آنها در ممالک اروپائی و جا های دیگر به شکل دیگری زندگی اسلامی دارند

با حکومت برادران اسلامی در کشور و بعدا موجودیت غول های بی شاخ و دم طالبان من فکر میکردم روشنفکران ما از صحبت ها و بازی با کلمات منصرف شده و شاعران ما حد اقل برای مدت محدودی از مدح گل و سنبل دست برداشته و متوجه این جانوران اسلامی میشوند و یک کمی در روشن ساختن اذهان عامه به ارتباط آزادی زن گام های عملی بر میدارند متأسفانه کمتر کسی متوجه این بی سرو سامانی شده و توجه نمیکنند که افغانستان بطرف یک بنیاد گرایی اسلامی رفته و ریشه اسلامیت با قسمت های مزخرف کلچر ما که از سابق باهم مد غم شده یک فضای کشنده و غم انگیزی را برای نسل های آینده مخصوصا زنان و دختران کشور ما بوجود آورده است.

خداوند زن را آفرید که برای مرد ها نقش جفت را بازی کنند و برای حیوانات ذکور، اناث آفریده است که جفت آنها باشند و بچه تولید کنند. آیت ۱۱ سوره شوری آیت ۲۲۸ سوره بقره به طور صریح مردان را بر تر از زنان میدانند. محمد در خطبه حجة الوداع گفته است (در باره زنان نیکی کنید چه آنها اسیر مردانند و اختیاری از خود ندارند) ازین موارد در قرآن زیاد آمده تا زن را در چنگال وحشت و بربریت شیوخ عرب و امثال آنها که خرد انسانی و وجدان سالم ندارند برای همیشه نگاه دارند اگر نگاهی بیطرفانه در تاریخ موجودیت خرافات در اجتماع و ریشه های زندگی پیامبران بنی اسرائیل که پیامبری شان ارثی بوده و بعضی از آنها اصلا امت و دنباله روی نداشتند و گام مثبتی هم به نفع بشریت برنداشته اند، اندازیم کمتر خواهیم دید که به یک زن قناعت ورزیده باشند. اکنون به چنین ادیان و پیغمبران بنی اسرائیل که آخرش محمد بود، میشود اتکاء کرده توقع داشت که حقوق زن و مرد در چوکات قانونمندی های شان مساوی باشد؟

مگر خود محمد بیشتر از ۴۵ زن و کنیز برای همبستری نداشت؟ مگر عایشه رادر سن ۷ سالگی از ابوبکر خواستگاری نکرد؟ مگر زینب زن زید پسر خوانده خود را نگرفت؟ و آیت هائی به ارتباط ضرورت های جنسی محمد نازل نشد؟ خداوندی که میل ندارد پیامبرانش مشکل همخوابگی داشته باشد چه نوع عادل خواهد بود و در دین آسمانی او چه چیزی معیار عدالت به ارتباط حق زن خواهد بود؟؟؟؟؟

ما مسلمان هستیم بخاطری که در یک فامیل مسلمان بدون خواست و اراده خود ما محصول عشق بازی دو انسان بوده و تولد شده ایم .

مسأله جز این چیزی نمیتواند باشد چرا که بشر در پیدایش و موجودیت خود کدام اراده و تصمیمی نداشته و پیدایش ما درین جهان غیر اختیاری و بدون میل خود ما در تعیین جنسیت و پیدایش ما عمل شده است و موجودیت ما درین جهان به اشکال مذکر و مؤنث در یک خانواده مسلمان ما را مسلمان اجباری ساخته و تحت اطاعت و اجرا کردن

بدون قیود و شرط احکام اسلام قرار داده است شرایط بد اجتماعی، قید و قیود خانوادگی، بیسواد بودن اکثریت مردم و موجودیت دولت های غیر مردم می که باعث عقب نگهداشتن ملت ما از کاروان تمدن های بشری شده است مردم ما را در بد بختی های زیادی غوطه ور ساخته که تمام این عوامل با عجین شدن در اسلام شرایط عجیب زندگی کردن را در محیط اجتماعی ما به شکل خیلی خراب بر ما تحمیل کرده است.

این بد بختی به اندازه ایست که یک فرد نمیتواند منحصی یک شهروند و یک انسان آزاد عقاید و نظرات خود را به ارتباط پیدایش و طرز دید خود پیرامون دین و سایر امور اجتماعی و عقیدتی ابراز بدارد. فقط و فقط آنچه تعیین کننده طرز تفکرش است و آنچه عملکرد انسانی است باید اسلامی باشد و بس. به این ترتیب جامعه ما اعم از مرد و زن تبدیل شدند به یک مستعمره فرهنگی و اجتماعی عرب و عرب زادگان؛ یعنی ما تبدیل شدیم به غلامان و کنیزان عرب و مسلمانان درجه دوم.

اما یک تفاوت که در بین ما گذاشته اند اینکه چون جامعه اسلامی است مرد های ما اختیارات تام در قسمت زنهای افغان داشته دارند که مرد ها مالک زنها هستند؛ ما متوجه نیستیم که ما خود حق نداریم یعنی حق مطابق میل خود فکر کردن و زندگی کردن، خلاصه ما در مقام و منزلتی نیستیم که کسی از ما پائین تر و بنده ما باشد ولو که حق داشته باشیم ۴ زن بگیریم. آن بی وجدانانی که از حقوق مساوی مرد و زن در اسلام صحبت میکنند آیا آنها برای خانم های خود شان هم ۴ شوهر میخواهند؟؟؟

با تسلط کامل عرب و عرب زده ها در فرهنگ و بنیاد های باوری ما نمیتوان امیدوار بود که زن افغان روزی نجات پیدا نماید مگر اینکه برای رهائی از چنگال خونین و خونخوار اسلام به مبارزات بی امان ادامه داده تا آخرین لحظه برای نا بودی خرافات جدیت ورزند. امروز دختران ما هستند، فردا مادران دیگران خواهند بود، نه ملکیت شخصی مرد ها. آنها از خود هویت و شخصیت دارند، استعداد دارند، فهم و دانش دارند، اگر من و تو بگذاریم و اگر من و تو مانع نشویم. و بدون پذیرش افکار مسلطه عربی، باید قبول کنیم زن هم مثل من و تو موجود زنده و فعال بوده آنها هم قربانی مفکوره های آسمانی هستند. مثل اینکه من و تو هستیم جدا از هم نمیتوانیم بود.

و تو ای زن افغان!

این همه بد بختی و رنج و مصیبت تا کی؟ به پا خیز و به حرکت شو! هم این خدا بتو ظلم کرده و هم دین و هم مرد. فقط تنها خودت میتوانی خود را نجات دهی. به دعا کردن کاری به پیش نمیرود. دولت هم که میدانی از چه قماشی است و تر کیبی از هر چه احمق و نادان و جاهل و عرب زده و چند وطن فروش پرچمی و خلقی و از همه بالا تر دولتی دست نشانده و این دولتی نیست که از بطن جامعه بر خاسته باشد و بتواند خواسته انسانی و به حق توده ها را بر آورده سازد.

بیا... پندار هایت را به باور و باور هایت را در چوکات های انسانی بخاطر دفاع از حق خود منسجم ساز و متشکل شو و با برادرانت با آنها که بخاطر حکومت مردم بر مردم و جامعه بدون استثمار، محیط خالی از خرافات و بدست آوردن حق انسانهای محروم ما سالها است مبارزه و قربانیان بی شمار داده اند، یکجا بی هراس به پیش رو؛ تا باشد روزی از زیر یوغ استعماری بیگانه و اعراب نجات پیدا کرده و جامعه مرفه بدون بهره کشی به همت تو و پیشقراولان راه آزادی بوجود آید. در راه مبارزه و نجات خود تنها نیستی، هستند فرزندان با وجدان و با ناموس وطن که ترا به همراه خواهند بود. فقط تو بخود آی و راجع بخود و زن افغان فکر کن و ببین بد بخت موجودی

بنام زن از دیدگاه اسلام و بد بخت تر از آن زن افغان که نه تنها قر بانی دین هستند قر بانی مفکوره ها و اعمال زشت رسم و رواج های افغانی هم هستند. وقتی می بینی که زن از دیدگاه اسلام چه نوع موجودی است و چه نوع حیات دارد بدان که زن افغان بد بخت تر از آنست. آنها در پی از بین بردن هویت ملی ما هستند، در پی خورد ساختن شخصیت ما، احساس ما و تبدیل ساختن ما به مشتی موجودات هرزه، بی هویت، و بی فرهنگ هستند. من و تو متوجه نیستیم آنها کار شان را به خوبی و درستی انجام میدهند بیا تا خارج از جنجال های اسلامی و طرح های مغرضانه آنها من حیث انسانهای آزاد در دفع هر نوع دسیسه عقب گرایان به پایستاده و حقی را که از ما گرفته اند، به دست آریم.

به نام انسان برای انسان در جهت برآورده شدن حق انسان

ای زن افغان:

حالا که ما مرد نشدیم تو زن باش

یادداشت:

تمام آیات قرآن در این نوشته، به استناد قرآنی تصحیح گردیده اند، که به وسیله "استاد محمد مهدی فولادوند" ترجمه شده است:

ویراستاران پورتال